

بنام خدای برآفرین

هَذَا مَجْلَدُ الْإِسْلَامِ

بخش دوم از:

آیهی نور و مهر

نوشته

حسب الله آیت اللهی



شیراز، تابستان ۱۳۹۷

سرشناسه: آیت‌اللهی، حبیب‌الله، ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور: هنرمندان رهسپاران نور: بخش دوم از: آیه نور و هنر/ نوشته‌ی حبیب‌الله آیت‌اللهی؛

[برای] موسسه آموزش عالی آپادانا.

مشخصات نشر: شیراز: نیاresh، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰۰ ریال 2-978-600-97774-0

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: ناشر کتاب حاضر را جلد دوم کتاب "آیه نور و هنر" فرض کرده است.

عنوان دیگر: آیه نور و هنر.

موضوع: هنرمندان -- راه و رسم زندگی

موضوع: Artists -- Conduct of life

موضوع: مومنان -- راه و رسم زندگی

موضوع: Believers -- Conduct of life

موضوع: نور -- احادیث

موضوع: Light -- Hadith

رده بندی کنگره: ۴۰/۲۰۹ ۱۳۶

[B۲۱۵۹۱]

رده بندی دیویی: ۲۰۱/۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۲۷۰۹۵

این اثر با حمایت مادی و معنوی موسسه آموزش عالی آپادانا به چاپ رسیده است.



عنوان کتاب: هنرمندان رهسپاران نور

نویسنده: حبیب‌الله آیت‌اللهی

طراح جلد: قاسم نجاری

خوشنویسی عنوان کتاب: روح ا... محرری

صفحه آرای: قاسم کشاورزی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

چاپ و صحافی: چاپ اشرفی

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۲-۹۷۷۷۴-۰۰-۶۰۰-۹۷۸

شیراز، میدان معلم، ابتدای بلوار ایمان شمالی، روبروی بانک سپه،

موسسه آموزش عالی آپادانا تلفن: ۰۷۱۳۶۳۰۰۸۵۳

www.niareshpub.ir

info@niareshpub.ir

فهرست

- پیشگفتار ۱۰
- ۱- توکل ۱۴
- ۲- اعتماد به نفس ۱۵
- ۳- تلاش و پشتکار ۱۶
- ۴- هنر یزدانی و هنر اهریمنی ۱۷
- ۵- حق شناسی و سپاسگزاری ۱۹
- ۶- سیر طریقت ۲۰
- ۷- اها راز ۲۱
- ۸- محراب راز ۲۳
- ۹- اندیشه ۲۴
- ۱۰- مقام ۲۵
- ۱۱- مخاطرات نفس بر دانش ۲۶
- ۱۲- نکوهش تقلید ۲۷
- ۱۳- نیات هنرمند ۲۸
- ۱۴- فروغ هنرمند ۲۹
- ۱۵- نهرا سیدن از ملامت گرا ۳۰
- ۱۶- خردمند درون ۳۱
- ۱۷- دیدن و نگریستن ۳۲
- ۱۸- فضای هنر ۳۳
- ۱۹- برتری روح ۳۴
- ۲۰- پندها و حکمت‌ها ۳۵
- ۲۱- هنرمند مصمم و آفرینشگر ۳۷
- ۲۲- شناخت توانای و ناتوای‌ها ۳۸
- ۲۳- نیروهای ادراک ۳۹
- ۲۴- دل سرد نشدن از عیب جویی دیگران ۴۰

- ۲۵- شکست ناپذیری ۴۱
- ۲۶- منتقد خویش بودن ۴۲
- ۲۷- پیگیری کسب دانش و تجربه ۴۲
- ۲۸- خستگی ناپذیری از رنج‌ها ۴۳
- ۲۹- آموختن و آموزاندن ۴۴
- ۳۰- اهمیت شنونده بودن ۴۵
- ۳۱- پرهیز از تردید ۴۶
- ۳۲- یاد خدا ۴۷
- ۳۳- دریافت فروغ الهی ۴۷
- ۳۴- تاجه قبول افتد و ۴۸
- ۳۵- طبیعت بزرگ آموزگار هنر ۴۹
- ۳۶- عشق و شیفتگی ۵۰
- ۳۷- گذر زندگی ۵۱
- ۳۸- از بطن اشک ۵۲
- ۳۹- پرهیز از غرور خود شیفتگی ۵۳
- ۴۰- فروتنی و تواضع ۵۴
- ۴۱- فریفته نشدن در کام دنیا ۵۵
- ۴۲- پیکار با درون و آشنی با بیرون ۵۶
- ۴۳- زیبایی شناسی الهی ۵۷
- ۴۴- همنشین با فراترآن ۵۷
- ۴۵- تعریف هنر ۵۸
- ۴۶- صبر و شکیبایی ۵۸
- ۴۷- پند از گذشته ۵۹
- ۴۸- مهلم شدن والهام گرفتن ۶۰
- ۴۹- اندیشه و احساس ۶۱
- ۵۰- هزاران راه آموختن ۶۲
- ۵۱- آموختن از تجربیات گذشتگان ۶۲
- ۵۲- فضیلت اندیشیدن ۶۴

- ۵۳- اهمیت مشورت ۶۵
- ۵۴- داور و منتقد خویش بودن ۶۶
- ۵۵- لب فرو بستن و خموشی ۶۷
- ۵۶- باور به عنايات الهی ۶۸
- ۵۷- به روزی، روش فرهیختگان ۶۸
- ۵۸- پرهیز از خودستایی و کبر ۶۹
- ۵۹- درک الطاف خداوندی ۷۱
- ۶۰- خدای شدن و هوایی بودن ۷۲
- ۶۱- فضل هنر ۷۳
- ۶۲- یاری و استناده از حضرت حق ۷۴
- ۶۳- دستگیر فرشتگان ۷۵
- ۶۴- راز پیروزی ۷۶
- ۶۵- فراگذری از طبیعت و رجعت به خداوند ۷۷
- ۶۶- برتری هنرمند در فهم و ادراک ۷۸
- ۶۷- پرهیز از گرافه گویی ۷۹
- ۶۸- توان بندگی و آفرینندگی ۸۱
- ۶۹- پرهیز از شتاب زدگی ۸۲
- ۷۰- تواضع و مردم داری ۸۳
- ۷۱- شناخت قدر و جایگاه خویش ۸۳
- ۷۲- باور و ایمان ۸۴
- ۷۳- سیر در افلاک ۸۵
- ۷۴- بی‌زمانی و فضل هنر ۸۶
- ۷۵- زندگانی معیشتی و زندگانی هنری ۸۷

- ۷۶- خودشناسی و خداشناسی ۸۸
- ۷۷- صافی و صوفی ۸۹
- ۷۸- رضایت حق، افضل بر رضایت خلق ۹۰
- ۷۹- اعتماد بر مردم ۹۱
- ۸۰- نماز و نیاز ۹۲
- ۸۱- شأن و منزلت آفریده‌ها ۹۳
- ۸۲- داد و دهش ۹۴
- ۸۳- نعمت ولایت الهی ۹۵
- ۸۴- خاموشی در برابر یاوه گویی ۹۶
- ۸۵- همه چیز را همگان دانند ۹۷
- ۸۶- نه‌راسیدن از تنگدستی ۹۷
- ۸۷- خدمت به بندگان خداوند ۹۸
- ۸۸- نیاز پذیری ۱۰۰
- ۸۹- فرخ‌زدن ۱۰۱
- ۹۰- رفع نیاز مردم بر نیاز خویش ۱۰۲
- ۹۱- حرکت به سمت کمال ۱۰۴
- ۹۲- در جستجوی حقیقت ۱۰۶
- ۹۳- هنر کمال‌گرا ۱۰۷
- ۹۴- طلب یاری از خداوند ۱۰۸
- ۹۵- تجلی و تجسم ۱۱۰
- ۹۶- معنویت و روحانیت ۱۱۱
- ۹۷- لحظه‌های پذیرش ۱۱۲
- ۹۸- جنود عقل و جهل ۱۱۳
- ۹۹- ارزش معنوی اثر هنری ۱۱۵
- ۱۰۰- دمیدن روح تعهد ۱۱۶

بنام او که فضل هنر را به هنرمند ارزانی فرمود

۸۱/۱۱/۳۰

پیشگفتار:

در جلد نخست، «آیه‌ی نور، ولایت و هنر»، از نور سخن گفتیم و از ولایت که تجلی کامل و نهایی نور خداوند در آریای اوست و، از هنر و هنر ایرانی و شیعی که تجلی نور و نهایی نور ولایت خداوندی در آفرینشگری انسانی است، و هنرمند مسلمان، که به ولایت مطلقه‌ی اهل بیت پاک پیاد بر اسلام (که درود خداوند و جهانیان بر آنها باد) باور دارد و با آنه متمسک است و، همیشه تلاش بر آن داشته است که با تجلی نور ولایت در آثارش به ارشاد انسان پردازد و او را به عهد و پیمانی که خداوند در روز ازل و در عالم «ذَرَّ»، با او بست «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» از فرزندان آدم علیه السلام گرفتار داشت، یاد آور سازد. اگر کسانی هستند که این بازنمایی را، بیننده، درک نکنند و یا نشناسند، هیچ چیز از آن تجلی نکاهد. آنان که به «خليفة اللهی» خود، به جانشینی خود از سوی خداوند بر زمین، باور دارند و می‌دانند که خداوند آنان را از فضل هنر بهره‌مند ساخته و با آن، آنان را بر دیگر مردمان برتری داده است، دریافته‌اند که هنر فروغی است از

فروغهای «نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، و آنان این نور و فروغ را در دل دارند و با رهنمودهای این فروغ و نورست که می‌آفرینند: هنر می‌آفرینند، و ارشاد می‌کنند، جامعه را رُشد داده و زیباییهای پنهانی آفرینش‌های خداوندی را برای لذت دیدار دیگران آشکار می‌سازند؛ زیرا می‌دانند که «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر [این] نعمتش را در بنده‌اش ببیند». نیز می‌دانند که آنچه خداوند دوست دارد از بنده‌اش ببیند، نیایش است و عبادت، و چه نیایشی والاتر از «زیباییهای الهی را آشکار کردن».

بن، آنانی را که به این وادی گام نهاده‌اند، و این نور و فروغ را در دل دارند و از آن پیروی می‌کنند، جان و روان خود را از آن سیراب می‌سازند، هنر را مجلای زیبای‌های خداوندی می‌دانند، آفرینشهای هنری را «عبادت و نیایش» می‌پندارند، و آنگاه که از پرتو فضل الهی متنور شده‌اند، «هنرمندان برجسته پاران نور» نام کرده‌ام و بنابراین، یکصد و ده دستور (در نام مبارک حضرت امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام است) برای تجلی نور در آثارشان ارمغان پیشگاهشان به کام، و امید بر آن دارم که این ارمغان کوچک پذیرای روح بزرگ آنان قرار گیرد که اگر، آنان آن را بپذیرند، پذیرای درگاه احدیت نیز خواهد شد، و شاید دلیلی هرچند کوچک برای من، بر آموزش خداوندی گردد که خداوند:

مرا هر چند سنگین است بارم
 ولی با این همه، امید وارم
 که رستاخیز چون بر من بتازد
 روان من به امیدی بتازد:
 که از سوی تو آید پرتویی چند
 همه پر بار از عفو خداوند.

آنچه که در پی می آید، فروغی است که در
 «لحظه‌های پذیرش» از روزن جان بر دل من تابیده
 است و بارها و بارها، با یادآوری آنها، سرمست و شادمان
 می‌شوم. در این روحانی و رحمانی و ولایی شده‌ام که بیان
 تفسیر این اندک سخنان نگنجد و شاید، شاید
 شما خواننده‌ی شکیبای این سخنان را نیز خسته سازد.
 من در آنها بسیار اندیشیده‌ام و در نهایت در یافته‌ام که
 آن ذکر است که به حقیقت بچانه و تعالی، بر دل من
 برنشانده است؛ دریغم آنکه به مثابه‌ی آموزگار هنر،
 فرزندان هنرجوی خود را از این بهره‌ی نرسانم. ذکر
 که همانند گوهرهایی تابناک مجلی می‌گردند، و تنها
 می‌بایستی بر انگشتی و حلقه‌ی سخن قرار گیرند. از
 مروت و جوانمردی دور دانستم که این گوهرهای
 تابناک را، همه برای خود ذخیره سازم و دیگران را از
 آنها بی‌بهره. همانند نقطه‌یی کوچک و فردی از جهان
 هنر که به هنر عشق می‌ورزم، با آن عشق شام را به روز

و روز را به شام می‌پیوندانم و «تعلیم و تعلّم» را
 لذت جان و روان خود کرده‌ام، خواستم که
 همگان را درین عشق که خود پرتوی از آن
 نورست، انباز و شریک گردانم، و درین راستا،
 سخن را با آیاتِ الهی، حدیثهای اهل بیت
 عصمت و طهارت و درخت پاک ولایت، و با ادب
 پارسی، شیرینی بخشیده، کام شما هنرمندان
 رهسپار نور و دیگر خوانندگان را نیز، شیرین
 سازم و:

فاش می‌گویم و از گفته‌ی خود دلشادم
 بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم

راز درون خود بگفتم و خواهم
 تا که به لطف خدای غصه سرآید
 من سخن عشق را که موهبت اوست
 گفتم و نام که از تو نیز برآید که
 «عالم و نامی شاع خویش فروشند
 تاجه قبول اند و چه در نظر آید.»

حبیب‌الله آبت‌اللهی
 تهران، شهریور ۱۳۸۱